

Experience-Based Approaches in the Criminal Justice System: A Solution to Enhance the Effectiveness of Criminal Policy

Mohammad Javanbakht

PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran (Corresponding author)
Email: javanbakht.lawyer@yahoo.com

Abbas Sheikholeslami

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
Email: sheikholeslami@mashdiau.ac.ir



Abstract

The criminal justice system has historically implemented a variety of strategies to prevent and reduce crime. However, the outcomes of these measures have often fallen short of expectations, leaving persistent social issues unresolved. A significant challenge remains the increasing crime rate and the diversity of offenses, particularly complex and organized crimes, which exacerbate insecurity and fear of crime within society. This situation necessitates a reevaluation of existing strategies. After assessing the results of past interventions, policymakers have concluded that adopting innovative, experience-based approaches is essential to reducing crime and enhancing the efficiency of the criminal justice system.

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring and
Summer 2024
(Original Article)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.718657](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718657)

In this context, this article examines the successful experiences of the criminal justice system in England concerning crime reduction. Utilizing a descriptive-analytical method, it analyzes England's actions in various domains, particularly in crime prevention and the reduction of offenses. The findings indicate that England's criminal justice system, with its emphasis on experience-based approaches and practical, evidence-driven methods across legal reforms, social prevention, and judicial practices, has achieved significant success in reducing crime.

The study concludes that Iran's criminal justice system must also adopt practical transformations based on real-life experiences from other countries, particularly England, to effectively address crime-related challenges. These transformations could include legal reforms, improved judicial practices, and evidence-based preventive strategies. Merely relying on new laws and regulations without considering practical experiences and tested trends from other systems is unlikely to reduce crime. Instead, these experiences must be localized to provide effective solutions for crime reduction in Iran.

Keywords: *Crime Reduction, Criminal Justice, Effectiveness, Experience -Oriented Approach, Pragmatism.*



تجربه محوری در نظام عدالت کیفری: راهکاری برای بهبود اثربخشی سیاست جنایی

دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم
انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)
Email: javanbakht.lawyer@yahoo.com

محمد جوان بخت

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد
مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
Email: sheikholeslami@mashdiau.ac.ir

عباس شیخ الاسلامی



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۳

(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.718657](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718657)

چکیده

در نظام عدالت کیفری، تلاش‌های مستمر و متنوعی برای پیشگیری و کاهش وقوع جرم انجام شده است. با این حال، نتایج این اقدامات در بسیاری از موارد رضایت‌بخش نبوده‌اند و برخی از مشکلات اجتماعی همچنان پابرجا هستند. یکی از این مشکلات افزایش نرخ جرم و تنوع آن، به‌ویژه بزهکاری‌های پیچیده و سازمان‌یافته است که موجب تشدید ناامنی و ترس از جرم در جامعه می‌شود. این موضوع نیازمند تجدید نظر در راهبردهای موجود است. سیاست‌گذاران کیفری، پس از ارزیابی نتایج تدابیر پیشین، به این نتیجه رسیده‌اند که باید به شیوه‌ای نوین و مبتنی بر تجربیات عملی، راهکارهایی برای کاهش جرم و بهبود کارایی سیستم عدالت کیفری اتخاذ کنند. این مقاله به بررسی تجربیات موفق نظام عدالت کیفری انگلستان در زمینه کاهش جرم پرداخته است. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، اقداماتی را که انگلستان در حوزه‌های مختلف به‌ویژه پیشگیری از جرم و کاهش وقوع بزهکاری به‌کار گرفته مورد تحلیل قرار می‌دهد.

نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در نظام عدالت کیفری انگلستان، تمرکز بر تجربه‌محوری و کاربرد روش‌های عملی و مبتنی بر شواهد در زمینه‌های مختلف مانند اصلاحات قانونی، پیشگیری اجتماعی و رویه‌های قضائی، موفقیت‌های قابل توجهی در کاهش جرم به همراه داشته است. این تحقیق نتیجه می‌گیرد که سیستم کیفری ایران نیز برای مواجهه مؤثرتر با معضلات جرم، نیاز به تحولاتی مبتنی بر تجارب عملی و واقعی از دیگر کشورها، به‌ویژه انگلستان، دارد. این تحول می‌تواند شامل اصلاحات قانونی، بهبود رویه‌های قضائی، و استفاده از راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر شواهد و تجربیات موفق دیگر کشورها باشد. به عبارت دیگر، تنها تکیه بر قوانین و مقررات جدید بدون توجه به تجربیات عملی و روندهای آزمایش شده در دیگر نظام‌ها نمی‌تواند منجر به کاهش جرم شود، بلکه لازم است این تجارب در بستر بومی‌سازی به‌کار گرفته شوند تا راهکارهای مؤثری در کاهش بزهکاری در ایران فراهم گردد.

کلیدواژه‌ها: کاهش جرم، عدالت کیفری، اثربخشی، تجربه‌محوری، عمل‌گرایی

مقدمه

در دنیای امروز، پیچیدگی جرایم و افزایش تنوع آن‌ها، به‌ویژه در جوامع صنعتی و پیشرفته، موجب شده است که راهبردهای سنتی در پیشگیری و کنترل جرم ناکارآمد به نظر برسند. نظام عدالت کیفری، که همواره در تلاش برای تامین امنیت عمومی و حفظ حقوق شهروندان بوده، با چالش‌های جدیدی روبرو شده است. در این راستا، توجه به تجربه محوری، به‌عنوان رویکردی مبتنی بر آموختن از الگوهای موفق و استفاده از تجربیات گذشته، به یکی از اصول بنیادی در سیاست‌گذاری کیفری در بسیاری از کشورها تبدیل شده است. نظام حقوقی انگلستان، با بهره‌گیری از تجربیات متعدد در حوزه پیشگیری از جرم و اصلاح عدالت کیفری، به‌عنوان یکی از پیشروترین نظام‌های حقوقی، مدل‌های مختلفی را در زمینه تجربه محوری ارائه کرده است.

تجربه محوری، به معنای استفاده از داده‌ها، آمار و بازخوردهای واقعی از وقایع و رفتارهای کیفری، به‌ویژه در حوزه پیشگیری از جرم، از رویکردهای موثر و نوینی است که در بسیاری از کشورها، از جمله انگلستان، مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد بر این اساس بنا شده است که تحلیل علمی و آماری وقایع کیفری و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه بر اساس آن‌ها می‌تواند در کاهش نرخ جرایم نقش موثری ایفا کند. در انگلستان، رویکردهای تجربه محور شامل استفاده از تحلیل‌های داده‌محور، همکاری با سازمان‌های محلی و به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای پیشگیری از جرم و کاهش نرخ آن است.

با این حال، در نظام‌های حقوقی مختلف، اجرای چنین رویکردهایی با موانع و چالش‌های متفاوتی روبه‌رواست؛ از جمله چالش‌های نهادی، فرهنگی، و محدودیت‌های قانونی که بر تاثیرگذاری این سیاست‌ها سایه می‌اندازند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود، تطبیق نظام‌های سنتی کیفری با ساختارهای جدید داده‌محور و استفاده از اطلاعات واقعی است. که نیازمند تغییرات عمده‌ای در ساختار و نگرش‌های موجود در نظام عدالت کیفری است. پرسش اساسی در اینجا آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از اصول تجربه محوری

در انگلستان، به مدل‌ها و راهبردهایی دست یافت که نه تنها در کاهش وقوع جرم موثر باشند، بلکه در راستای حفظ حقوق شهروندی و عدالت نیز قدم بردارند؟

این نوشتار بر آخرین حوزه‌هایی که مداخلات عدالت کیفری در محکوم نمودن بزهکاران، به ویژه آنهایی که توسط خدمات آزادی مشروط تامین می‌شوند، متمرکز است. این تمرکز، قصد ندارد به این موضوع بپردازد که درمان مهم‌تر از پیشگیری است. همچنین با کسانی مانند (Farrington 1989) و (Gottfredson & Hirschi 1990) که استدلال کرده‌اند؛ باید بر پیشگیری زودرس از جرم نسبت به درمان یا بازپروری مجرمان شناسایی شده تاکید نمود، اختلافی ندارد. به هر حال درمان همیشه موضوعی مهم به نسبت جمله معروف «چیزی به عنوان جامعه عاری از جرم وجود ندارد» می‌باشد. (وزارت کشور انگلستان، ۱۹۹۷، ۱)

بیشتر افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، عمل مجرمانه را حرفه خود قرار نمی‌دهند. (Tarling, 1997: 203) عمده واکنش متناسب برای چنین بزهکارانی ممکن است خفیف‌ترین مداخله باشد. (McGuire & Priestley, 1995: 13) چندان که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد مرتکبین جرائم تعزیری درجه هفت و هشت چنین تدبیری را اتخاذ نموده است. از سوی دیگر، تعداد محدودی از بزهکاران حرفه مجرمانه گسترده‌ای دارند که میزان قابل توجهی از جرائم را دربرمی‌گیرند. بدین ترتیب سیستم عدالت کیفری بیشترین نگرانی را در مورد این دسته از بزهکاران دارد. پرسشی که سیاست‌گذاران نیاز به پیگیری دارند این است که آیا هر پاسخی به بزهکار محکوم، می‌تواند بر نرخ بازبزهکاری تاثیرگذار باشد؟ این مقاله به تحلیل و بررسی آخرین تحولات در زمینه مداخلات عدالت کیفری و تأثیر آن‌ها بر محکومیت بزهکاران، به‌ویژه آن‌هایی که تحت نظارت خدمات آزادی مشروط قرار دارند، می‌پردازد. همچنین، این پژوهش به بررسی مشکلات موجود و چالش‌های نهادی در مسیر اجرای این رویکردها، و نقش نظریه‌های کیفری در طراحی و ارزیابی برنامه‌ها خواهد پرداخت.

۱. ارائه خدمات به بزهکاران محکوم: ویژگی‌های متغیر

اهداف زندان‌ها و خدمات آزادی مشروط متعدد هستند و می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

- به کیفر رساندن بزهکاران
- محدود نمودن آزادی و سلب توان بزهکاری
- کاهش نرخ بازبزهکاری (تکرار جرم)
- بازاجتماعی نمودن بزهکاران
- ملزم نمودن بزهکار به جبران خسارات در مقابل جامعه.

این اهداف از یکدیگر مجزا هستند و در طول زمان‌های متفاوت بر هر یک از آنها تأکید و تکیه شده است. برای مثال، خدمات آزادی مشروط در بریتانیا در خلال یک سری مراحل عمل می‌کند که شامل آرمان‌گرایی و اصلاح‌طلبی مبلغان مذهبی گذشته (۱۸۷۰ تا ۱۹۳۰) که بر "محافظت از روح" متمرکز بودند و مدل پزشکی (۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰) که بر تشخیص علمی و درمان بزهکاران تأکید داشت؛ و یک مدل خدمات اجتماعی (۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰) که بر بازپروری نسبت به جامعه تأکید داشت؛ یک مدل عدالت (۱۹۸۰ تا به امروز) که بر جبران، محدود نمودن آزادی و مقابله با رفتار مجرمانه تأکید دارد. (Mc Williams, 1983, 76)

در مقابل بسیاری از صاحب‌نظران و حقوق‌دانان، دست‌اندرکاران سیستم عدالت کیفری در مورد ادعای دانش اختصاصی پیرامون «چه چیز موثر است» احتیاط بیشتری نموده‌اند. در دهه ۱۹۷۰ تعدادی از محققان (Martinson, 1974؛ Lipton, et al, 1975؛ Brody, 1976) استدلال کردند که تجربه پژوهش بیانگر این است که مداخلات بازپروری تفاوت مهمی در میزان بازبزهکاری متعاقب ایجاد نکرده است. نتیجه به دست آمده «هیچ چیز موثر نیست» بود. (پاک‌نهاد، ۱۴۰۰: ۲۴۹-۲۵۰) این نتیجه زمینه دیدگاه‌های سیاسی متنوعی را فراهم آورد و این به همراه نقشی که رسانه بازی کرد، منجر به استیلای تفکر هیچ چیز موثر نیست

در طول سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ شد.^۱ (شرمن، ۱۳۹۱، ۲۰۲)

تا حدودی به عنوان نتیجه‌ای از رهیافت «هیچ چیز موثر نیست»، (و پژوهش طولی حرفه مجرمانه که نشان می‌داد در هر مورد، بسیاری از بزهکاران جوان در سنین ۲۵ سالگی یا بیشتر، ارتکاب جرم را ترک خواهند کرد) نقش نهاد آزادی مشروط، از بازا اجتماعی نمودن و بازپروری به کیفر و تامین امنیت عمومی در سال ۱۹۸۰ تغییر مسیر داد. این نتیجه‌گیری مدل آزادی مشروط بر این تاکید دارد که وظیفه عمده ماموران مراقبتی آزادی مشروط، محدود نمودن آزادی، مقابله با رفتارهای مجرمانه و اطمینان از این که بزهکاران برخی از اشکال جبران را نسبت به جامعه انجام می‌دهند، است. (Nutley & Davies، ۲۰۰۹، ۹۵)

بدین ترتیب سیاست دولت در مورد عملکرد آزادی مشروط از بازپروری به سزادهی تغییر کرد، درست در یک دوره زمانی که رهیافت هیچ چیز موثر نیست در بریتانیا محو شده بود. در طول سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این بدبینی ابتدا در کانادا و سپس در آمریکا و بریتانیا به طور فزاینده‌ای زیر سوال رفت،^۲ حتی Martinson (۱۹۷۹) نتیجه‌گیری اولیه‌اش را پس گرفت و تجدیدنظر کرد. با این وجود، مشاهده می‌شود که «هیچ چیز موثر نیست» عمیقاً در تفکر معقول و غالب سیستم عدالت کیفری تثبیت شده است (McGuire & Priestley، ۱۹۹۵، ۷)

پیشرفت در این تفکر تنها با به‌کارگیری تکنیک‌های فراتحلیلی برای پژوهش موجود در

۱. البته ناگفته نماند که برخی از جرم‌شناسان، مانند ژان پیناتل فرانسوی، این اعتراض را رد می‌کند و بر این باور است که پژوهش‌های ارزشیابی‌کننده‌ی اقدامات اصلاحی - درمانی، نظام کیفری را با تجربه‌های واقعی و اصیل درمان و اصلاح مقایسه نکرده‌اند. اقدامات اصلاح و درمانی مورد مطالعه چنین پژوهش‌هایی تقریبی‌اند و در هر حال، چیزی شبیه اصل اصلاح و درمان به اجرا درآمده است و نه اصلاح کامل؛ زیرا کلیه امکانات برای تحقق این اصل هنوز فراهم نشده است. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۰، ۲۷۹)

۲. برای نمونه بنگرید به:

*Gendreau, P. and Ross, R.R., 1980, **Effective correctional treatment: bibliotherapy for cynics**, in R.R. Ross and P. Gendreau (eds) *Effective correctional treatment*, Toronto, Canada: Butterworths.

*Blackburn, R., 1980, **Still not working? A look at some recent outcomes in offender rehabilitation**, Scottish Branch of British Psychological Society Conference on Deviance, University of Stirling, February.

عدالت کیفری میسر بود. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت برخی عوامل وجود دارند که در جهت کاستن امکان بازبزهکاری تلاش می‌کنند و لیستی آزمایشی از شرایط موثر را بروز می‌دهند. این پیام کلیدی این بود که برنامه‌های نظارت که پی‌ریزی شده‌اند، می‌توانند نقش قابل توجهی در کاهش رفتار مجرمانه داشته باشند؛ به جدول زیر نگاه کنید:

جدول ۱: اصول اساسی برای دستیابی به اثربخشی

- هدف قرار دادن بزهکاران با ریسک بالا
- تمرکز بر رفتار مجرمانه یا رفتار و حالت جرم‌شناسانه
- رویکرد جامعه‌محور
- تاکید بر روش‌های شناختی و رفتاری
- یک رویکرد ساخت‌یافته با اهداف روشن
- یک سبک و رویکرد دستوری
- اطمینان از اینکه کار کامل، روش‌ها و اهداف اظهارشده را تحقق می‌بخشد.

منبع: تهیه شده توسط McGuire & Priestley (1995)

در سال ۱۹۹۰، اصطلاح خوش‌بینانه‌تر «چه چیز موثر است» تا حد زیادی جایگزین شعار منفی هیچ چیز موثر نیست شد. این موجب تقویت پژوهش پیرامون تجربه و علاقه به نوسازی به‌کارگیری تجربه در رهیافت و شناسایی برنامه موثر شد. در بازنگری تجربه موجود از جمله بازنگری هزینه‌های هنگفت صرف‌شده و پس از آن، برنامه کاهش جرم، این استقبال از رهیافت جدید به اوج خود رسید. (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴، ۲۷۷)

فقط بریتانیا نیست که با اطمینان اعلام می‌کند؛ امکان به‌کارگیری از رهیافت چه چیز موثر است وجود دارد. در سال ۱۹۹۶ قانون فدرال از دادستان کل ایالات متحده آمریکا درخواست کرد تا کنگره‌ای برای بررسی ویژه تاثیر برنامه‌های ایالتی و محلی پیشگیری از جرم برگزار نماید. در نتیجه دانشگاه مریلند رهیافت چه چیز موثر است را مورد بررسی قرار

داد و اعلام نمود که سیاست جنایی باید به سزادهی متمایل شود، چندان که از آن زمان به بعد شاهد تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌ای به ویژه در قبال مبارزه با مجرمان تکرارکننده جنسی هستیم. (Sherman, et.al, 1997, 58) پس از بررسی ویژگی‌ها و اهداف مختلفی که در ارائه خدمات به بزهکاران محکوم و تأثیرات آن‌ها بر بازاجتماعی شدن و کاهش بازبزهکاری مورد توجه قرار می‌گیرد، وارد بحث «نقش نظریه‌ها در عملکرد عدالت کیفری» می‌شویم. در حقیقت، ارزیابی مداخلات عدالت کیفری و اثرات آن‌ها بر رفتار بزهکاران نه تنها مستلزم شواهد تجربی و علمی است، بلکه نیازمند تکیه بر نظریه‌ها و مدل‌های مختلف روان‌شناختی، اجتماعی و جرم‌شناختی می‌باشد که بر نحوه برخورد با بزهکاران تأثیرگذارند. در این بخش، به تحلیل نقش نظریه‌ها در شکل‌دهی به سیاست‌های عدالت کیفری و تعیین شیوه‌های مؤثر برای کاهش جرم و بازاجتماعی شدن بزهکاران خواهیم پرداخت. این نظریه‌ها، با توجه به تحقیقات گذشته، به ما کمک می‌کنند تا فرآیندهای عملیاتی و راهکارهای مؤثرتر در مواجهه با بزهکاران را شناسایی کنیم و بر اساس آن‌ها، روش‌های بهبود سیستم‌های عدالت کیفری را ارائه دهیم.

۲. نقش نظریه‌ها در عملکرد عدالت کیفری

در ارزیابی مداخلات عدالت کیفری، عمل‌گرایی و تجربه‌گرایی به طور فزاینده مورد تقاضا قرار گرفته است. سوال به این سادگی نیست که به صورت کلی در قبال بزهکاران چه چیز موثر است، بلکه این است که کدام نوع از بزهکاران و تحت چه شرایطی یا چه نوع محیط-های. (Palmer, 1975, 150) بر این روش، استدلال شده است، ما خواهیم فهمید که چه برنامه‌ای واقعاً برای تغییر رفتارها انجام می‌شود و چرا هر موقعیتی منجر به فرایند ویژه‌ای نمی‌شود. (Pawson & Tilley, 1997, 11) گزارش هیئت بازرسی مراکز آزادی مشروط در مورد طرح چه چیز موثر است، نگرانی خود پیرامون طرح چه چیز موثر است را در چارچوب سه پرسش این گونه بیان می‌کند؛ چه چیز برای چه کسی در چه شرایطی موثر است؟، مداقه

هیئت بازرسی آزادی مشروط در این برنامه به عنوان بخشی از این طرح، به نقص نظم و امنیت آشکار پیرامون بنیان‌های نظری طرح‌های برنامه مورد استفاده، اشاره دارد. پیرامون چنین طرح‌هایی، استدلال شده است که باید یک مدل واضح (نظری) از نوع تغییرات رفتار بزهکار داشته باشند. (Wilkinson, 1194, 184) پس از بررسی نقش نظریه‌های مختلف حقوقی و جرم‌شناختی و تأثیر عمیق آنها بر شکل‌گیری رویکردهای قانونی و قضائی و ادعان به این امر که نظریه‌های مذکور به تبیین اصول عدالت، قاعده‌مندی مجازات‌ها و شیوه‌های اعمال آن کمک می‌کنند و در نهایت بر ساختارهای اجرایی عدالت کیفری تأثیرگذار هستند. باید اشاره داشت که یکی از چالش‌هایی که از نظریه‌های موجود برمی‌خیزد، تمایل به سخت‌گیری بیشتر در برخورد با جرایم و اعمال مجازات‌های سنگین‌تر است که ما در ادامه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۳. تمایل به سخت‌گیری بیشتر

اگرچه داده‌های راهبرد جدید به عنوان بخشی از برنامه کاهش جرم ارائه شده‌اند، اما هیچ معیار استاندارد برای ارزیابی اقدامات عدالت کیفری وجود ندارد. (Colledge, et.al., 1999, 72) بررسی مطالعات که متدولوژی ضعیف را اتخاذ نموده، تعداد کمی را قانع کرده است و ممکن است که نتایج گمراه‌کننده‌ای ارائه نماید. در بررسی تأثیر اقدامات در برخورد با بزهکاران عموماً نیاز به گروه‌های کنترل^۱ است یا معیارهایی علیه اقدام موثر اتخاذ می‌شود، اما طرح‌های تجربی واقعی، اغلب برای غیرقابل حصول شدن مطرح شده‌اند: هدف، داشتن یک گروه کنترل یا مقایسه است به طوری که تجزیه و تحلیل قاطع می‌تواند از مقایسه تأثیر مازاد برنامه با آنچه که نسبت به هر بزهکار در حال، اتفاق می‌افتد، استنتاج شود. قوی‌ترین طرح برای یک ارزیابی، تخصیص تصادفی اهداف است و این باید در نظر

1. Control groups.

گرفته شود و در صورت امکان، اگر چه اغلب دست‌یافتنی نیست، لکن، در ساختار عدالت کیفری، اتخاذ شود. اگر گروه کنترل یا مقایسه ممکن نیست، در مرحله دوم بهترین روش این خواهد بود که با رویه‌های داخلی مقایسه شود و بر اساس این، به مدل واقعی و نتایج پیش‌بینی شده دست خواهد یافت (Colledge, et.al., 1999, 12).

معیار و توافق عمومی که طرفداران زیادی دارد این است که نرخ محکومیت مجدد به دنبال یک مداخله با تخمین نرخ مورد انتظار محکومیت مجدد بدون مداخله، مقایسه شود. موارد پیش‌بینی کننده محکومیت مجدد، به همین منظور و اهداف دیگر گسترش یافته‌اند. در سال ۱۹۹۶ وزارت کشور انگلستان نیز یک معیار محکومیت مجدد از گروه بزهکاران برای همه حوزه‌های خدمات آزادی مشروط به عنوان یک ابزار ارزیابی و پژوهش ارائه داده است. (Wilkinson, 1994, 216)

پاوسون و تایللی استدلال می‌کنند که پارادایم تجربی، یک شکست حماسی را خلق نموده است. در این متدولوژی، آنها استدلال می‌کنند که وعده‌ها، بسیارند لکن به نتایج یافته‌ها که نوعی هستند نه جمعی، سطح تاثیرشان پایین است و ابهام‌آمیز نیز هستند، تمایل دارند. وقتی که تئوری درمان به طیف وسیعی از موضوعات اختصاص داده شده است، جای تعجب نیست که در مورد برخی از آنها، آن عمل صورت گرفته، تلاش محسوب می‌شود و در مورد برخی دیگر منجر به شکست می‌شود. یک ارزیابی به این نیاز دارد که اثبات شود عامل درمان برای هر هدفی موثر می‌باشد (و احتمالاً فرض بر آن است که آن موثر می‌باشد). (Pawson & Tilley, 1997, 8)

پاوسون و تایللی استدلال می‌کنند که این از طریق هر تجزیه و تحلیل آماری موشکافانه با یک پارادایم تجربی آسان به دست نمی‌آید. آنها با یک رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به ارزیابی، آن را یک تئوری نامیده‌اند نه روشی که بنیان گذارده شده است. این چنین ارزیابی‌هایی به درک و فهم چرایی اهداف نیاز دارد؛ زیرا آنها برنامه‌هایی نیستند که ذاتاً موثر باشند، اما

افراد آنها را انتخاب و همکاری می‌نمایند تا موثر واقع شوند. (Pawson & Tilley، 1997، 36) تمایل به سختگیری بیشتر در سیستم عدالت کیفری، به ویژه در واکنش به جرایم سنگین یا بحران‌های اجتماعی، ممکن است در ابتدا به‌عنوان راه‌حلی برای تقویت قدرت بازدارندگی و مقابله با تهدیدات جامعه به نظر برسد. این رویکرد ممکن است شامل افزایش شدت مجازات‌ها، اجرای دقیق‌تر قوانین و حتی ترویج نگرش‌های سلبی در قبال مجرمان باشد. اما این تمایل به سختگیری، بدون توجه به پیامدهای منفی آن می‌تواند به اختلال در اصول عدالت، توازن حقوق فردی و اجتماعی، و تأثیرگذاری منفی بر فرایند بازتوانی مجرمان منجر شود. از این رو، لازم است که اقدامات مطلوب و کارآمد در سیستم عدالت کیفری، به‌ویژه در برابر این سختگیری‌ها، شناسایی و اجرایی شوند که ما در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

۴. اقدامات مطلوب

اقدامات شایسته و موثر برای مداخله باید صحیح، مناسب، معقول، چند بُعدی و منجر به اظهار نظر بدون تبعیض شود. در عمل، مشکلات زیادی در رابطه با شناسایی و سنجش شرایط موثر و مناسب بروز می‌کنند. این مشکلات زمانی به صورت برجسته، نمود پیدا می‌کنند که نتایج اقدامات مشابه را در حوزه‌های قضایی مختلف پیگیری و مقایسه می‌کنیم. برای مثال، شناسایی این که چه چیز برای نتیجه موفق مطرح است، بین مطالعات تغییر ایجاد می‌کند و شامل دستورالعمل نظارت، سرپیچی از تعهد در طول دوره نظارت و تعدادی از بازبزهکاری‌های متعاقب اتمام دوره نظارت، می‌شود. این ارزیابی متعاقب سطح بازبزهکاری ممکن است داده‌ی خود گزارشی را به عنوان مدرکی موثق برای محکومیت مجدد استفاده نماید. هر دوی اینها دارای اشکال هستند. برای مثال:

- نرخ محکومیت مجدد ممکن است، معیار دقیقی برای ارتکاب جرم نباشد، زیرا تنها ۳ درصد از جرائم به صدور حکم منتج می‌شوند. (Barclay، 1991، 86)

• استفاده از پرسشنامه محکومیت که به صورت بله/خیر پاسخ داده می‌شود، با جرایم خطرناک یکسان برخورد می‌کند، مثلاً قتل و سرقت از مغازه با هم فرقی ندارند. (Wilkinson, 1994, 146)

مالتز نه تعریف متفاوت از تکرار جرم را لیست کرده است (Maltz, 2001, 62) که در آمریکا استفاده می‌شد و همه آنها بیشتر از یک شرط توصیف دارند. تعریف دوره نظارت مناسب در ارزیابی اثربخشی مداخله دارای اهمیت است و بر حسب بسیاری از مطالعات، این دوره، شش ماه یا کمتر است. به‌رغم وجود چنین محدودیت‌های رسمی نرخ محکومیت مجدد، اما هنوز هم به عنوان معیار اساسی اثربخشی مداخله، منظور می‌شود. منبع اصلی اطلاعات پیرامون محکومیت مجدد در بریتانیا، نمایه بزهکار وزارت کشور است که هر سه ماه یک بار، روزآمدسازی می‌شود و گاهی نیز تا شش ماه به تاخیر می‌افتد. (غلامی، ۱۳۹۰، ۴۱)

مشکلات مربوط به تعریف و سنجش پیامد کاهش تکرار جرم، منجر شد تا برخی پژوهشگران پیشنهاد دهند فرایند انطباق‌سازی و دستاوردهای بینابینی (مثل تغییر سبک و رفتار) باید شناسایی و ارزیابی شوند. (Roberts, 1995, 94) در گزارش طرح چه چیز موثر است، برای ارزیابی اثربخشی در نظارت بر بزهکاران، معیارهای زیر پیشنهاد شده است:

- کاهش بازبزهکاری - معمولاً با سنجش و ارزیابی محکومیت مجدد؛
- برنامه انطباق و پذیرش؛
- دستیابی به هدف بازپروری از قبیل تغییر در روش، رفتار و شرایط اجتماعی؛
- تحقق بخشیدن به مسئولیت‌پذیری عمومی - مدیریت موثر ریسک، ارزش نهادن به ثروت، عمل ضد تبعیض‌آمیز. (Home Office, 1998, 7)

اقدامات مطلوب در سیستم عدالت کیفری، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، به تغییرات و اصلاحاتی در رویه‌ها و سیاست‌های اجرایی مربوط می‌شود که هدف آن ارتقای کارایی،

کاهش نابرابری‌ها و بهبود تأثیرات اجتماعی و فردی است. برای دستیابی به این اقدامات، نیاز به بررسی دقیق و جامع از ابعاد مختلف نظام عدالت کیفری داریم. این بررسی‌ها باید نه تنها به تحلیل‌های کمی و کیفی از روندهای جاری، بلکه به استفاده از رویکردهای تحلیلی مختلف نیز متکی باشد.

۵. مطالعات ترکیبی

به نظر می‌رسد ارزیابی فراتحلیلی به عنوان یک تکنیک مناسب برای ترکیب نتایج حاصل از ارزیابی‌های انجام شده در سیستم عدالت کیفری پذیرفته شده است، اگر چه در این باره تردیدهایی وجود دارد. ارزیابی فراتحلیلی، یک معیار مشترک ایجاد کرده است، به طوری که مطالعات انجام شده، با استفاده از دستاوردهایی که متفاوت هستند، قابل مقایسه هستند. امتیازی که وجود دارد این است که تنها مطالعاتی مفید هستند که ارزیابی فراتحلیلی را متوجه خود می‌سازند. (مایر، ۱۹۹۴، ۶) مایر از مطالعات فراتحلیلی لیپسی انتقاد نموده است:

جدول ۲: نگرش تفصیلی مایر به مطالعات فراتحلیلی لیپسی

- نیمی از مطالعات صورت گرفته تنها به بررسی دوره‌های اولیه سنجش بزهکاری (که عمدتاً همیشه تکرار جرم نیست) در مدت کمتر از شش ماه پرداخته‌اند.
- نیمی از مطالعات به این خاطر که میزان درمان پایینی دارند کدگذاری شدند و ۷۵ درصد در این رتبه‌بندی، پایین یا متوسط بودند.
- ۲۰ درصد از مطالعات، جوانان تحت مراقبت را در برمی‌گرفت و ۵۰ درصد افراد غیر جوان، تحت پوشش اقدامات دادگستری بودند.
- تقریباً دو سوم از برنامه‌ها در بازه زمانی کمتر از دو سال اجرا می‌شد، که پیرامون شور و شوق اولیه سوالات زیادی را برمی‌انگیزد.
- تنها یک چهارم از برنامه‌ها توسط کادر سیستم عدالت کیفری اجرا شد و ۲۰ درصد توسط افراد غیر متخصص.

منبع: مایر (۱۹۹۴، ۷)

مطالعات ترکیبی در تحلیل عدالت کیفری به‌عنوان یک رویکرد جامع، توانایی ارزیابی ابعاد مختلف مسائل مربوط به عدالت کیفری را دارد. این مطالعات به‌ویژه هنگامی که با ارزیابی هزینه‌ها و منافع سیستم‌های مختلف ترکیب می‌شوند، می‌توانند تصاویری واضح و دقیق از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست‌های کیفری ارائه دهند. در این راستا، هزینه محوری به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم در ارزیابی سیستم‌های کیفری، به‌ویژه در مراحل مختلف دادرسی، محاکمه، و اجرا، جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم.

۶. هزینه محوری

در بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه چه چیز در قبال مجرم‌ان محکومیت‌یافته موثر است، درباره هزینه‌ها سخنی به میان نیامده است. بررسی شواهد نشان می‌دهد که عمدتاً نقد و بررسی هزینه‌های کلان پیرامون مسائلی از این قبیل بوده است:

- چه مدارکی در مورد هزینه‌های صرف‌شده احتمالی در دسترس می‌باشد؟
- چه مقیاس زمانی برای تعیین هزینه‌ها و منافع وجود دارد؟

در ارتباط با مداخلات پیرامون بزه‌کاران، بررسی‌های موجود دربردارنده اطلاعات محدودی در مورد هزینه‌ها و دستاوردهای مشترکی هستند که امکان مقایسه هزینه‌ی برنامه‌های متنوع بازپروری تحول‌یافته در زندان و سطح جامعه را فراهم نمی‌آورند. با توجه به اینکه بدست آوردن بسیاری از اطلاعات پیرامون هزینه‌های مداخلات دشوار است، تعجب‌آور نیست که در مورد هزینه‌های هنگفت و منافع مداخلات عدالت کیفری اطلاعات کمتری در دست باشد. برنامه‌های کاهش جرم با تضمین اینکه شواهد با توجه به هزینه‌ها و منافع کلیه مداخلات که توسط این برنامه سرمایه‌گذاری شده، به دست آمده‌اند پرداختن به موضوع مقرون به صرفه بودن را هدف خود قرار داده‌اند. (Dhiri & brand, 1999, 68)

پیرامون ساختار سخت‌گیری در مورد ارزیابی مداخلات عدالت کیفری، به یک مناظره پیشرفته نیاز است که چرا سخت‌گیری حائز اهمیت است و چگونه می‌توان به آن دست یافت. این مقطع، درباره ماهیت تجربه، آغازش حکایت از این دارد که هیچ پشتوانه اقتصادی در مورد ارزیابی مداخلات عدالت کیفری وجود ندارد.

اسناد مختلفی گویای تمرکز بحث بر تناسب متدولوژی‌های مختلف می‌باشند. در حوزه آزادی مشروط، سازمان بازرسی وزارت دادگستری انگلستان، یک خط‌مشی مشخص برای آنچه باید انجام گیرد، فراهم نموده است. این پیشنهادات که در ارزیابی مطالعات خوب عمل نموده‌اند باید شامل موارد زیر باشند:

- نظم داشتن پیرامون زمان دوره‌ها و مطالعه گروه‌ها؛
 - ایجاد تناسب در اقدامات محکومیت مجدد، استفاده از پیش‌بینی‌کننده‌ها، گروه‌های مقایسه یا کنترل و رسیدگی به نوع و شدت جرم؛
 - مناسب‌سازی کاربرد اقدامات نگرشی؛
 - تماس با بزه‌کار پس از درمان و تجزیه و تحلیل پیامدها برای همه اعضای گروه مطالعه، لیکن تحلیل نتایج تکمیل‌کننده‌ها به صورت جداگانه. (Home office, 1999, 14)
- در تحلیل هزینه‌ها و منافع سیستم‌های عدالت کیفری، توجه به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی سیاست‌های کیفری امری ضروری است. هزینه محوری به ما این امکان را می‌دهد که آثار اقتصادی و اجتماعی تصمیمات مختلف را ارزیابی کرده و از اعمال سیاست‌های پرهزینه اجتناب کنیم. این رویکرد کمک می‌کند تا هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از اشتباهات قضائی، اجرای نادرست قوانین، و تبعات اجتماعی سیاست‌های کیفری مورد توجه قرار گیرد. در این میان، بهره‌مندی از تجربه به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای بهبود سیستم‌های کیفری و کاهش هزینه‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. تجربه‌های گذشته، به‌ویژه در سطح بین‌المللی و ملی، می‌توانند درس‌های گرانبهایی برای کاهش هزینه‌ها و بهبود مؤثر سیاست‌ها به‌دست دهند.

۷. بهره‌مندی از تجربه: مشکلات و راهبردها

بازنگری‌های نظام‌مندی از تجربه پژوهش^۱ و تعدادی از فراتحلیل‌ها وجود دارند که توسط دفتر مرکزی در بریتانیا جهت انتشار یافته‌های پژوهش مورد پیگیری قرار گرفته‌اند. آنها گزینه‌ها را برای تاسیس یک بنیاد ملی ارائه اطلاعات در حوزه پیشگیری از جرم و کاهش آن مورد بررسی قرار داده‌اند. (Home office, 1997, 9) در این چنین سرویسی، به عنوان یک ابزار گردآوری و تحول اطلاعات موثق و معتبر پیرامون طرح در چه شرایطی چه چیز موثر است قلمداد می‌شود. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، این است که این اطلاعات می‌توانند، آگاهی‌های مناسب و مطلوبی به مسئولین اجرایی در زندان و خدمات آزادی مشروط، به ویژه دادرسانی که در مورد بزهکاران محکوم تصمیم می‌گیرند، ارائه دهند.

در رابطه با خدمات آزادی مشروط در سال ۱۹۹۵ چند کنفرانس پیرامون موضوع چه چیز موثر است توسط وزارت کشور انگلستان برگزار شد. سازمان آزادی مشروط در همان سال، درباره توجه به عوامل بحرانی موفقیت برای برنامه‌های آزادی مشروط، بخشنامه‌ای منتشر ساخت. در ژانویه ۱۹۹۶ بازرس ارشد مرکز آزادی انگلستان طرح چه چیز موثر است را بنیان گذارد. این پروژه با هدف ارائه زمینه‌های آزادی مشروط با رهنمود بهترین عمل در مورد مجرم‌تحت‌نظارت، بکار گرفته شد. گزارش این پروژه حاکی از آن است که پیام‌های اساسی‌ای پیرامون برنامه‌های نظارت موثر هستند که از پیش تکمیل شده‌اند، هر چند هنوز به صورت محدود و گاه متضاد، بر پایه تجربه موفقیت‌هایی کسب می‌کنند. (Home office, 1997, 9) ادعان شده است که تجربه موجود پیرامون چه چیز موثر است در قبال بزهکاران، جزئی و ناچیز است (تمرکز بر مداخلات خصوصا در برخورد با بزهکاران جوان) و توسط مطالعات آمریکایی و کانادایی تحت سیطره و سلطه قرار گرفته است. (Lose1, 1995, 84; Mair, 1994, 123) عوامل بسیاری وجود دارند که در طراحی و اجرای اقدامات در قبال بزهکاران دخیلند

۱. به عنوان نمونه بنگرید به:

McGuire, . and Priestley, 1995, pp 3-34.

و بسیاری از اینها، ژرف‌کاوی نشده‌اند. آنچه در اینجا ضروری می‌نماید این است که به یک استراتژی که حوزه‌های ضروری پژوهش را شناسایی کند نیاز است و آن را به صورت سوالات پژوهشی متمرکز مطرح و یافته‌های تحقیقاتی را به این حوزه‌ها هدایت کند. البته تحقیقات حاکی از این هستند که این امر، تا حدودی به وسیله برنامه کاهش جرم و نقش طرح چه چیز موثر است در این برنامه مورد توجه قرار گرفته است.

قبل از این که یک رویکرد تجربه‌محور را بتوان با تشکیلات عدالت کیفری وفق داد باید بر تعدادی از مشکلات غلبه کرد. این امر شامل موارد زیر می‌باشد: پژوهش‌های مقطعی پیرامون مداخلات جهت برخورد با بزهکاران بزرگسال؛ تا اندازه‌ای ممکن است، با توجه به قانون‌گذاری و تشکیلات سازمانی، تاثیرات متمایزی از برنامه‌ها را ارائه دهند؛ تلفیق و انتشار محدود دستاوردهای پژوهش. علاوه بر بهبود کیفیت و قابلیت دسترسی به تجربه، به پیگیری میزان استفاده از آن نیز نیاز است. موانعی چند، از اجرای رویکرد مبتنی بر تجربه و عمل در عدالت کیفری وجود دارد. این موانع به چهار دسته تقسیم می‌شوند: سیاست / ایدئولوژی؛ فقدان یک فرهنگ کاری پژوهش‌محور؛ فردگرایی دست‌اندرکاران؛ شک و تردید در میان سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران. این حوزه‌های مشکل‌زا در زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

- مشکلات

سیاست‌گذاری در سطح وزارت کشور در انگلستان، همیشه به وسیله تجربه چه چیز موثر است هدایت نمی‌شده است. بیانیه مایکل هوارد به کنفرانس حزب محافظه‌کار در سال ۱۹۹۳ با این عنوان که زندان موثر است، در بهترین حالت بر تجربه ثابتی مبتنی نیست. در حالی که اندروز استدلال می‌کند که عملکرد عدالت کیفری باید مبتنی بر تجربه‌گرایی منطقی باشد. در مقابل سیاست عدالت کیفری، به مراتب عطر و طعمی سیاسی و ایدئولوژیک دارد. حزب محافظه‌کار مدت‌هاست که خود را به عنوان حزب نظم و قانون به تصویر کشانده است. (Andrews, 1995, 43) با این حال، از اواخر ۱۹۸۰ به بعد حزب کارگر

نیز تلاش کرده است تا خود را همان اندازه در مقابله با جرم، سخت‌گیر نشان دهد. تشدید سیاست‌های دولت در قانون و نظم در طول سال ۱۹۹۰ می‌تواند در نتیجه تلاش هر دو حزب برای تشدید و سخت‌گیری در مذاکرات قانون و نظم دیده شود. پائسون و تایللی استدلال می‌کنند که عملکرد تحقیقات، نه به عنوان یک بدنه گزاره معتبر و آزموده، بلکه به عنوان مهماتی برای بحث سیاسی و استدلال‌های داخلی می‌باشند. (Pawson & Tilley, 1997, 69)

نبود فرهنگ پژوهش در تشکیلات عدالت کیفری نیز مشکل دیگری است. به طور کلی تشکیلات عدالت کیفری و به ویژه خدمات آزادی مشروط، توجه زیادی به مطالعه و بررسی تاثیر اقدامات مختلف، اختصاص نداده‌اند. در انگلستان مجلس عوام وزارت کشور به این نتیجه رسیده‌اند:

فقدان ارزیابی دقیق پیرامون تاثیر احکام جامعه، شگفت‌آور است... هنگامی که به ارقام پرداخت شده در نظام عدالت کیفری و هزینه‌های مازاد بر جرم در قبال بزه‌دیدگان و جامعه، هر دو نگریسته شود، درمی‌یابیم که هزینه‌های صرف‌شده در حوزه پژوهش، بسیار ناچیز هستند. (Home office 1998, 2)

هرگاه که پژوهشی صورت گرفته است، بر تاثیر اقدامات و سیاست‌های آزادی مشروط محدود شده است. خدمات آزادی مشروط فاقد یک چشم‌انداز واضح از نحوه اثربخشی لازم بوده و این امر موجب بی‌توجهی به نیاز برای به دست آوردن یک تجربه نظارت موثر شده است. (Burnett, 1996, 134) یکی دیگر از دلایل ممکن برای فقدان فرهنگ پژوهش این است که آموزش ماموران آزادی مشروط، آنها را برای عمل به عنوان کادر اجرایی تجربه‌محور تجهیز نموده است. استثنائاتی برای این تصور وجود دارد. برای مثال، در بریتانیا، مراکز آزادی مشروط منچستر بزرگ و میدگلامورگان برنامه‌های تحقیقاتی فعال داشته‌اند. با این حال، یک نظرسنجی از عملکرد ارزیابی، مشخص شد اگر چه بسیاری از حوزه‌های آزادی

مشروط، ادعای بررسی اثربخشی اقدامات را نموده‌اند، هنگامی که عملکرد ارزیابی با جزئیات بیشتر مورد بررسی قرار گرفت، تنها ۱۱ مورد که دارای برخی ارزش‌ها بودند به عنوان نمونه‌های خوب برگزیده شدند. (Roberts, 1995, 162)

اصول خدمات آزادی مشروط در حقوق منحصر به فرد دادگاه‌ها، جهت منصوب کردن ماموران آزادی مشروط، خود به معنای یک پیشینه طولانی و مستقل برای ماموران آزادی مشروط که در یک بخش خاص و کوچک اداره یا دادگاه مشغول به کارند می‌باشد. این امر به یک رویکرد فردی برای ارائه خدمات منجر می‌شود:

امروزه، تلاش صورت گرفته توسط دست‌اندرکاران منحصر به فرد در قبال بزهکاران خاص، غالباً به سوی اجازه مفروض برای اعمال برخی اشکال منتخب شخصی در امور مددکاری اجتماعی متمایل شده است. (ibid, 1995, 229)

مشکلات پیش‌رو در اجرای عملکرد مبتنی بر تجربه از این قرار هستند:

- نتایج تحقیقات تجربی نشان می‌دهد در حالی نظارت یک‌به‌یک ممکن است برای داشتن یک نقش مهم ادامه یابد، که برنامه‌های پی‌ریزی شده مداخله و تمرکز بر کار گروهی، مسیر رو به جلویی داشته باشند.

- یکپارچگی مداخلات که در نیل به نتایج مورد نظر حائز اهمیت است، می‌تواند با یک رویکرد فردگرا تهدید شود- این مشکل صرفاً در بریتانیا نیست؛ بلکه تجربه‌های خود را نیز بر کانادا بازتاب نموده است، (Gendreau & ROSS, 1987) یادآور می‌شوند: «ما در پیاده‌سازی و استمرار برنامه‌های موفق تجربی ثابت‌شده، که در سیستم‌های عرضه به طور معمول فراهم شده‌اند، کاملاً آماتور هستیم». (p:395)

مواجهه با مشکلات در جهت انجام اقدامات و مداخلات بدین معنی است؛ زمانی که نتایج منفی وجود دارد به سختی می‌توان نقاط ضعف اجرا را از شکست تئوری برنامه تشخیص داد. مشکلات اجرایی نه تنها از فردگرایی دست‌اندرکاران ناشی می‌شوند، بلکه از فردگرایی

بخش‌های مختلف سیستم عدالت کیفری نیز نشئت می‌گیرند. لذا ضروری می‌نماید سیاست‌ها و تدابیری در راستای بهبودسازی توانایی نهادها، ادارات و سازمان‌های مختلفی که سیستم عدالت کیفری از آنها تشکیل یافته است، در جهت همکاری با یکدیگر (برای کارایی هر چه بهتر نسبت به ارگان‌های هم‌سطح و بالاتر) اجرا شوند.

لذا باید گفت؛ همیشه تردیدهایی پیرامون تجربه‌ای که مدعی اثبات چه چیز موثر است می‌باشد، وجود دارد. البته این تعجب‌آور نیست، با توجه به این که بیش از یک دهه است که گفته شده؛ هیچ چیز موثر نیست. بخش عمده‌ای از ارزیابی اثربخش توسط روانشناسان انجام شده است و برداشت‌هایشان را در راستای درمان بزهکار به رویکرد روان‌شناختی توسعه داده‌اند. این امر منجر به ایجاد تردیدها و مقاومت‌هایی نسبت به کسانی که پیش از این، یک چارچوب جامعه‌شناختی برای کار خود در قبال بزهکاران اتخاذ نموده بودند، شده است.

بنابراین، مشکلاتی در تضمین این که عمل و سیاست عدالت کیفری از نتایج پژوهش ارزیابی آگاه است، وجود دارد. البته این مشکلات، غیرقابل حل نمی‌باشند. در ادامه، راهبردهایی که اخیراً به کار گرفته شده‌اند را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. در آغاز، چارچوب کلی برنامه کاهش جرم قبل از تمرکز بر طرح چه چیز موثر است را باید در خدمات آزادی مشروط جست.

- راهبردها

در سال ۱۹۹۹ دولت حزب کارگر با ارائه برنامه کاهش جرم، آن را به عنوان بزرگترین سرمایه‌گذاری منحصر، با رویکردی تجربه‌محور که تا به حال در هیچ کشوری اتخاذ نشده است توصیف کرد. تقریباً ۲۵۰ میلیون پوند به این ابتکار در سه سال ۱۹۹۹-۲۰۰۲ اختصاص یافته است. پنج موضوع عمده این برنامه را پوشش می‌دهند:

- کار با خانواده‌ها، بچه‌ها و مدرسه‌ها در راستای پیشگیری از بزهکار شدن نوجوانان در آینده،
- مبارزه با جرم در جوامع، به ویژه جرم با نرخ بالا مانند سرقت خانگی،
- گسترش ابزارها و سیستم‌هایی که در مقابل جرم، مقاوم‌تر هستند،
- ارائه شیوه صدور حکم موثرتر،
- کار با بزهکاران برای تحصیل اطمینان از عدم ارتکاب دوباره جرم توسط آنها. (Office, 1999, 3) این برنامه در راستای کمک به کاهش جرم با تضمین این که منابع تخصیص‌یافته، بیشترین میزان اثربخشی را به ارمغان خواهند آورد، در نظر گرفته شده است. این امر، با سرمایه‌گذاری در طرح‌های کاهش جرم مشخص شده، حاکی از آن است که وعده‌های اولیه (براساس تجربه موجود) و متعاقبا ارزیابی طرح، وعده اولیه به عمل تبدیل شده است. این طرح‌های موفقیت‌آمیز که برای تشکیل اساس برنامه‌های جریان اصلی در آینده در نظر گرفته شده‌اند، نباید کاهش یابند. تعدادی از طرح‌های از پیش موجود، با هدف ترویج رویکرد تجربه‌محور و عملگرا در برنامه کاهش جرم گنجانده شده‌اند. از جمله این طرح‌ها، طرح چه چیز موثر است، در حوزه خدمات آزادی مشروط می‌باشد. مشکلات و خطرات واضح و آشکاری همراه هر یک از این راهبردها وجود دارند. نخست، بر ماهیت تجربی بسیاری از تجربه‌های کسب‌شده موجود تاکید فراوان شده است، لذا این می‌تواند در جهت رونق و چرخه شکست فعالیت نتیجه‌بخش باشد.
- دوم، اگر ارزیابی داخلی، بسیار مورد تاکید قرار گرفته است، این می‌تواند منجر به گسترش مداوم تصور ضعیف و بی‌نتیجه بررسی‌هایی با مقیاس کوچک شود که با این حال، میزان ناچیزی به تجربه موجود افزوده می‌شود.
- با توجه به این که فردگرایی دست‌اندرکاران به عنوان یکی از موانع اجرایی برنامه موثر شناخته شده است، در حوزه‌های آزادی مشروط برای اتخاذ پروتکل‌های سبک سلامت به

عنوان ابزار حصول اطمینان از کیفیت و عملکرد موثر، تغییرات ضروری و لازمی باید صورت گیرد. (Thomas، 1996، 56)

راهبرد دو محوری چه چیز موثر است اگر قرار است در عملکرد و رویکرد تجربه‌محور در حال توسعه موفق شود، برای خدمات آزادی مشروط نیاز به دقت و آفری دارد. این خطر وجود دارد که آن به عنوان راه‌حل‌های برنامه عرضه خواهد شد زمانی که: آنچه برای تلاش جهانی لازم به نظر می‌رسد، یک تفکر استراتژیک و رویکرد نظام‌مند داده‌محور برای شناخت مشکل، تعیین یک راه‌حل ممکن براساس برخی اصول رفتار انسان، اجرای صحیح و نظارت و ارزیابی پس از آن است. موانع بسیاری برای استفاده مناسب از تجربه موجود باقی است.

نتیجه‌گیری

سیستم‌های عدالت کیفری در سال‌های اخیر، با هدف مقابله با رشد فزاینده جرایم و خشونت‌گرایی مرتکبان، رویکردی نوین مبتنی بر استفاده از نظریه‌ها و دکترین‌های ترکیبی اتخاذ کرده‌اند. این رویکرد که از علوم مختلف نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی الهام گرفته است، تلاش دارد علاوه بر پیشگیری از جرم، حاکمیت عدالت کیفری را در تثبیت نظم اجتماعی و ارتقای امنیت عمومی تقویت کند. تحولات سیاست جنایی در کشورهای پیشرو، نظیر انگلستان، فرانسه و آمریکا، نشان‌دهنده این واقعیت است که بهره‌گیری از ابزارهای کیفری و غیرکیفری به‌همراه ارزیابی دقیق تجربیات گذشته، نقشی کلیدی در کنترل جرم، کاهش نرخ بزهکاری و مدیریت جمعیت کیفری ایفا کرده است. این کشورها با ایجاد نهادهایی نظیر تعلیق صدور حکم، آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی، توانسته‌اند جمعیت زندان‌ها را مدیریت کرده و تمرکز بیشتری بر اصلاح و بازپروری بزهکاران کم‌اهمیت داشته باشند. از سوی دیگر، جمع‌آوری داده‌ها، ارزیابی مستمر اثربخشی سیاست‌ها، و اصلاح نقاط ضعف، به سیاست‌های جنایی این کشورها انعطاف‌پذیری و کارآمدی بیشتری بخشیده است.

در این میان، سیستم عدالت کیفری ایران می‌تواند از تجربیات این کشورها بهره‌مند شود. از آنجا که ایران نیز با چالش‌هایی همچون افزایش نرخ جرم، پر شدن زندان‌ها، و ضعف در بازپروری مؤثر بزهکاران مواجه است، اتخاذ رویکرد تجربه‌محور و عمل‌گرایی می‌تواند تحولی اساسی در سیاست‌های کیفری کشور ایجاد کند. بهره‌گیری از تجارب موفق جهانی، به‌ویژه در زمینه کاهش جمعیت کیفری و تدوین برنامه‌های اصلاحی، می‌تواند ضمن کاستن از هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی جرم، موجب بازسازی اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری شود. به‌ویژه در دهه‌های اخیر، رویکردهایی که تجربه‌گرایی را با سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ترکیب کرده‌اند، نشان داده‌اند که می‌توان با کاهش اتکا

به مجازات‌های سختگیرانه و تمرکز بر اصلاح و توان‌بخشی بزهکاران، عدالت کیفری را به‌طور مؤثرتری اجرا کرد. در ایران، چنین تحولی نیازمند بازنگری در قوانین و مقررات، تقویت رویه‌های علمی در تصمیم‌گیری‌های قضایی، و آموزش گسترده قضات و مسئولان اجرایی است تا بتوان سیاست‌های جنایی مؤثرتری در راستای امنیت و عدالت اجتماعی به‌کار بست.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- پاک نهاد، امیر، (۱۴۰۰)، دانشنامه جرم‌شناسی نظری، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- جانستون، جری، (۱۳۹۰)، «سیاست‌گذاری کیفری: نخبه‌گرا، عامه‌گرا یا مشارکت‌محور»، ترجمه بهروز جوانمرد، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۱.
- شرمن، لارنس، (۱۳۹۱)، «کاربرد و تاثیرات جرم‌شناسی در سال ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۵»، عدالت روشنگرانه و کاستی‌های آن»، ترجمه سید بهمن خدادادی و حمیدرضا نیکوکار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۴.
- غلامی، حسین، (۱۳۹۰)، تکرار جرم، چاپ اول، تهران، میزان.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، (۱۳۸۴)، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها»، مجله تخصصی حقوق و الهیات، شماره ۱۵ و ۱۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، ۱۳۹۰، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ دوم، تهران، گنج دانش.

ب- منابع خارجی

- Andrews, D., 1995, **The psychology of criminal conduct and effective treatment**, in J. McGuire (ed) *What works: Reducing reoffending*, Chichester: Wiley, pp 35-62.
- Barclay, G.C. (ed), 1991, *A digest of information on the criminal justice system*, London: Home Office Research and Statistics Department.
- Blackburn, R., 1980, **Still not working? A look at some recent outcomes in offender rehabilitation**, Scottish Branch of British Psychological Society Conference on Deviance, University of Stirling, February.
- Brody, S., 1976, **The effectiveness of sentencing**, Home Office Research Study No 35, London: HMSO.
- Burnett, R., 1996, **Fitting supervision to offenders: Assessment and allocation decisions in the Probation Service**, Home Office Research Study 153, London: Home Office.
- Colledge, M., Collier, P. and Brand, S., 1999, **Crime Reduction Programme and**

- constructive regimes in prisons - Programmes for offenders: Guidance for evaluators, Research, Development and Statistics Directorate**, London : Home Office.
- Dhiri, S. and Brand, S., 1999, **Crime reduction programme - Analysis of cost and benefits: Guidance for evaluators, Research, Development and Statistics Directorate**, London : Home Office.
- Farrington, D.P., 1989, **The origins of crime: The Cambridge Study in Delinquent Development**, Research Bulletin No 27, London : Home Office Research and Planning Unit, pp 29-32.
- Gendreau, P. and Ross, R.R., 1980, **Effective correctional treatment: bibliotherapy for cynics**, in R.R. Ross and P. Gendreau (eds) *Effective correctional treatment*, Toronto, Canada : Butterworths.
- Gendreau, P. and Ross, R., 1987, **Revivication of rehabilitation: evidence from the 1980s**, *Justice Quarterly*, vol 4, pp 349-407.
- Gottfredson, M. and Hirschi, T., 1990, **A general theory of crime**, Standford, CA : Stanford University Press.
- Home Office, 1997, **Getting to grips with crime: A new framework for local action**, A consultation document, London : Home Office.
- Home Office, 1998, **Reducing offending: An assessment of research evidence on ways of dealing with offending behaviour**, Home Office Research Study 187, London : Home Office Research and Statistics Directorate.
- Home Office, 1999, **What works - Reducing offending: Evidence-based practice**, London : Home Office.
- Lipton, D., Martinson, R. and Wilks, J., 1975, **The effectiveness of correctional treatment: A survey of treatment evaluation studies**, New York, NY : Praeger.
- Losel, F., 1995, **The efficacy of correctional treatment: a review and synthesis of meta-evaluations**, in J. McGuire (ed) *What works : Reducing reoffending*, Chicester : Wiley, pp 79-114.
- McGuire, J. (ed) (1995) *What works : Reducing reoffending*, Chicester : Wiley.
- McGuire, J. and Priestley, P., 1995, **Reviewing What works: past, present and future**, in J. McGuire (ed) *What works : Reducing reoffending*, Chicester : Wiley, pp 3-34.

- McWilliams, W., 1983, **The mission to the English Police Courts 1876-1936**, Howard Journal, vol 22, pp 129-47.
- Mair, G., 1994, **Standing at the crossroads: what works in community penalties**, National Conference for Probation Committee Members, Scarborough, 7-9 October.
- Maltz, M., ۲۰۰۱, **Recidivism**, London: Academic Press.
- Martinson, R., 1974, **What works? Questions and answers about prison reform**, Public Interest, vol 35, pp 22-54.
- Martinson, R., 1979, **New findings, new views: a note of caution regarding sentencing reform**, Hofstra Law Review, vol 7, pp 243-58.
- Nutley, Sandra and Davies, Huw, 2009, **Criminal justice: using evidence to reduce crime**, in the What works? Evidence-based policy and practice in public services Edited by: Huw T.O. Davies, Sandra M. Nutley and Peter C. Smith.
- Palmer, T., 1975, **Martinson revisited**, Journal of Research in Crime and Delinquency, July, pp 133-52.
- Pawson, R. and Tilley, N., 1997, **Realistic evaluation**, London: Sage Publications.
- Roberts, C., 1995, **Effective practice and service delivery**, in J. McGuire (ed) What works: Reducing reoffending, Chichester: Wiley, pp 221-36.
- Sherman, L.W., Gottfredson, D.C., MacKenzie, D.L., Eck, J., Reuter, P. and Bushway, S.D., 1997, **Preventing crime: What works, what doesn't, what's promising**, Office of Justice Programs Research Report, Washington, DC: US Department of Justice.
- Tarling, R. and Dowds, L., 1997, **Crime and punishment**, in R. Jowell, J. Curtice, A. Park, L. Brook and K. Thomson, C. Bryson (eds) British social attitudes: The 14th Report, Aldershot: Ashgate Publishing, pp 197-214.
- Thomas, M., 1996, **What works: quality management and professional protocols**, Vista, pp 54-61, May.
- Wilkinson, J., 1994, **Using a reconviction predictor to make sense of reconviction rates in the probation service**, British Journal of Social Work, vol 24, pp 461-75.